

تبیین مؤلفه‌ها و پرسشنامه معانی سکونت و انتظام فضاهای زندگی

محسن افشاری*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۸

چکیده

سکونت انسان بیانگر برقراری ارتباطی معنادار با محیط مسکن است؛ از این رو، محیط‌های مسکونی به لحاظ ابعاد روان‌شناختی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. آنچه درباره سکونت انسان اهمیت دارد، این است که سکونت انسان در سطوح مختلفی روی می‌دهد، و در ارتباط با مراتبی از محیط اجتماعی پیرامون انسان معنادار است. مرور ادبیات درباره معانی نشان می‌دهد که هم خصوصیات محیط مسکن و هم رویداد فعالیت‌ها در محیط زندگی انسان دارای معنی هستند، و مطابق با چهارچوب نظری، پرسش از معانی سکونت و انتظام فضای زندگی باید در چهار سطح شامل سطح سکونت منطقه‌ای، سطح سکونت همسایگی، سطح سکونت مسکن و سطح فعالیت‌های سکونت مسکن صورت پذیرد. پژوهش در حوزه معانی مسکن، مسئله‌ای اکتشافی است که نیاز به بررسی در هر دو حوزه سکونت و انسان دارد؛ بنابراین روش تحقیق این مقاله به صورت کیفی و بر پایه استدلال منطقی است. با توجه به ماهیت «پرسشنامه معانی سکونت و انتظام فضاهای زندگی» و چهارچوب نظری وابسته به آن، از «مدل ابزار- غایت» استفاده گردید، که مدل مناسبی برای دستیابی به محتوای ذهنی افراد است. مطابق با چهارچوب نظری، مقولاتی که در این پرسشنامه در نظر گرفته شد، پرسش از معانی خصوصیات انتظام فضایی محیط مسکن شامل «عناصر فضایی، فواصل فضایی و جهات فضایی» است، و در سوی دیگر پرسش از معانی فعالیت‌ها شامل عناصری همچون «نوع فعالیت، توالی زمانی و فضایی فعالیت‌ها و زمانمندی و فضا‌مندی فعالیت‌ها» است، که پایایی و روایی پرسش‌های نیمه‌ساختاریافته «معانی سکونت و انتظام فضاهای زندگی» در آزمون‌های آزمایشی کنترل گردید. بخش دیگر از نتایج مقاله، به ارائه روند گردآوری، مصاحبه و تحلیل داده‌های پرسشنامه اختصاص دارد. با توجه به هدف تحقیق، داده‌های حاصل از پرسشنامه تحقیق می‌تواند در تحلیل‌های بعدی - توصیف، تفسیر، تشریح و در صورت نیاز، در تحلیل آماری و ریاضی - به کار رود، و حتی هریک از چهار سطح از پرسشنامه نیز قابلیت کاربرد جداگانه در تحقیقات مختلف را دارد.

کلیدواژه‌ها:

مسکن، سکونت، پرسشنامه، معانی سکونت.

* استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، m.afshary@ui.ac.ir

پرسش‌های پژوهش

۱. چه مفاهیم نظری‌ای باید در طرح «پرسشنامه معانی سکونت و انتظام فضاهای زندگی» مورد توجه قرار گیرد؟
۲. ساختار طرح «پرسشنامه معانی سکونت و انتظام فضاهای زندگی» چگونه باید باشد؟
۳. برای دستیابی به پاسخ‌های «پرسشنامه معانی سکونت و انتظام فضاهای زندگی»، چه مراحل را باید در نظر گرفت؟

مقدمه

سکونت بیانگر برقراری پیوند پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض است. این پیوند از تلاش برای هویت یافتن، به مکانی احساس تعلق داشتن ناشی شده است. بدین ترتیب، انسان زمانی بر خود وقوف می‌یابد که مسکن گزیده و در نتیجه، هستی خود را در جهان تثبیت کرده باشد. بنابراین احراز هویت به شکل مادی مکان بستگی دارد (شولتز ۱۳۸۹، ۱۷-۳۶). بدین سبب است که «رلف»، مسکن را پایه هویت افراد و اعضای جامعه می‌داند (رلف ۱۳۸۹، ۵۰). مکان‌های هویت‌مند برای انسان معنادار هستند و انسان نیاز عمیقی به ایجاد ارتباط ذهنی با مکان‌های معنادار دارد (همان، ۱۷۴). محیط‌های مسکونی به لحاظ ابعاد روان‌شناختی و سکونتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. «گیفورد» (Gifford 1987) مسکن را مهم‌ترین مکان زندگی انسان دانسته است. مسکن مجموعه‌ای غنی از معانی فرهنگی، اجتماعی و روانی در حال تکامل است که انسان به ساختار فیزیکی وصل می‌نماید. مسکن یک سری از معانی مانند پناهگاه، نظم، همبستگی و معنویت است که انسان به یک سکونتگاه اضافه می‌کند که آن نیز به نوبه خود بخشی از هویت انسان می‌شود.

آنچه درباره سکونت انسان اهمیت دارد، این است که سکونت انسان در مراتب و یا مقیاس‌های مختلفی روی می‌دهد. محیط کالبدی و اجتماعی مسکن که زندگی انسان را در بر می‌گیرد، از نظر کالبدی و اجتماعی در ترکیب با محیطی کلان‌تر قرار دارد، که بر محیط کالبدی و اجتماعی مسکن تأثیر می‌گذارد. این تأثیرات حاصل فرایند ادراکی انسان از محیط خارجی پیرامون [مشکل از محیط اجتماعی و فیزیکی] است. ادراک انسان از پیام‌ها و معانی محیط کالبدی و اجتماعی کلان و خرد یا به تعبیری، محیط ادراک‌شده در ذهن انسان تحت فرایندهای شناختی به بروز واکنش‌ها و رفتارهای مشخص می‌انجامد.

از دیدگاه «پارسونز»، انگیزه و راهنمای رفتار انسانی، معانی‌ای است که کنشگر آن‌ها را از دنیای خارج کشف می‌کند؛ معانی‌ای که توجهش را جلب می‌کند و به آن‌ها پاسخ می‌دهد. بنابراین، ویژگی‌های اصلی کنش اجتماعی^۱ در حساسیت کنشگر به معانی جنبه‌ها و موجوداتی است که در محیط هستند و آگاهی یافتن به این معانی و واکنش به پیام‌هایی است که آن‌ها می‌فرستند (روشه ۱۳۹۱، ۹۲). از این رو، فهم ادراک انسان اهمیت می‌یابد. ادراک^۲، فرایندی است که از طریق آن انسان داده‌های لازم را بر اساس نیازش از محیط پیرامون خود برمی‌گزیند، لذا ادراک فرایندی هدفمند است و به فرهنگ، نگرش و نظام ارزشی حاکم بر تفکر ادراک‌کننده بستگی دارد. مهم‌ترین مکاتب ادراک که بر نظریه‌های محیط و طراحی تأثیر داشته‌اند، مکتب روان‌شناسی گشتالت^۳، دیدگاه روان‌شناسی کنش متقابل^۴، و مکتب روان‌شناختی اکولوژیک^۵ هستند. در اهم این دیدگاه‌ها، روان‌شناسی اکولوژیک، محیط را پایه و اساس تمامی داده‌ها می‌داند. این دیدگاه، چگونگی قرارگیری داده‌های حسی و واحدهای مفروض را در ذهن نتیجه تداعی می‌داند. «گیسون» (۱۹۷۹) واقعیت حسی تجربه را معرفی می‌کند، اما آن را به جای «واحدهای سازنده ادراک»، محصول ادراک قلمداد کرده است. بنا به ذکر «لنگ» (۱۳۸۱)، «نیسر» مفهوم «طرح‌واره ذهنی»^۶ را به عنوان «پیوند ادراک و فرایندهای عالی‌تر ذهنی» به این نظریه افزوده است. ادراک معانی محیط مبتنی بر طرح‌واره‌های ذهنی افراد است و رفتار فضایی افراد تحت تأثیر تصاویر ذهنی آنان از ساختار محیط است. طرح‌واره‌های ذهنی از طریق فرایندهای جذب و انطباق در سازمان درونی ذهن افراد [فرهنگ] ایجاد می‌شوند.

۱. مروری بر پیشینه تحقیق

شناخت «فرایند ادراک و تداعی معانی» محیط به طرق مختلف مورد توجه محققان بوده است. فصل مشترک این مطالعات، توجه به «فرایند فهم معانی» چیزها در ذهن انسان است که در یک سوی آن وجه آشکار خصوصیات عناصر در محیط و در سوی دیگر، معانی ادراک شده در ذهن انسان قرار دارد. تلاش‌های اولیه در این باره با طرح «مراتب معانی» مطرح شده که طی آن یک عنصر ممکن است با توجه به خصوصیات خود، مراتبی از معانی را در ذهن انسان متصور سازد. «گیبسون» (Gibson 1979) و «هرشبرگ» (Hershberger 1970; 1974) مراتبی از معانی عناصر محیط را تشخیص داده‌اند که هدف از آن تشریح روند مراتب ادراک تا بروز واکنش‌های انسان است. «هرشبرگ» در خصوص معنی معتقد است این افراد هستند که معنی را بر چیزها حمل می‌کنند، لذا معنی امری درونی است و در ذهن صورت می‌پذیرد و مراحل و مراتب حاصل از تأثیرگذاری آن به‌عنوان واسطه، باعث ایجاد واکنش‌ها و بروز رفتار می‌شود. «راپاپورت» (Rapoport 1980; 1990; 1993; 2005)، طراحی محیط را سازمان‌دهی چهار «عنصر فضا، زمان، تعاملات و معنی»^۷ تعریف کرده است. فضا بسطی سه‌بعدی از محیط اطراف فرد است و برنامه‌ریزی و طراحی در همه مقیاس‌ها، از مناطق تا مبلمان، می‌تواند به‌عنوان سازمان‌دهی فضا برای مقاصد مختلف و مطابق با قواعد متفاوت دیده شود؛ زیرا که فعالیت‌ها، ارزش‌ها و مقاصد اشخاص و گروه‌های سازمان‌دهی‌کننده را منعکس می‌کند. سازمان‌دهی فضایی تصاویر ذهنی ایدئال را بین فضای کالبدی و فضای اجتماعی منعکس می‌کند. افراد همان‌طور که در فضا زندگی می‌کنند، در زمان نیز زندگی می‌کنند. به‌وضوح وجوه فضایی و زمانی تأثیر متقابل بر هم دارند و یکدیگر را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. محیط‌ها هم تعاملات اجتماعی را منعکس کرده و هم آن را مدولار می‌سازند، آن را هدایت، کنترل و تسهیل کرده، امکانات و محدودیت‌های آن را منعکس می‌کنند. «تعاملات» به ارتباط کلامی و غیر کلامی بین افراد برمی‌گردد، درحالی‌که «معنی» به ارتباط غیر کلامی از محیط به افراد اشاره می‌کند (Rapoport 1980, 11; 1990, 26; 1993, 15; 2005, 26).

«سالینگروس» معتقد است که یک تابع یک به یک بین ساختارهای محیط و ساختارهای ذهنی وجود دارد که اجزای آن‌ها را با هم متناظر می‌کند. هنگامی که روابط بین ساختارهای محیطی و ذهنی به پیوندیافتگی سلسله‌مراتبی پایبند باشند، باعث تجربه معنی می‌شود. این نکته بدان مفهوم است که معنی به عناصر بیرونی اختصاص نمی‌یابد. میزان سازگار بودن یا انسجام ذهنی، قدرت حس معنی و همچنین قدرت تجربه احساسی آن را تعیین می‌کند. هنگامی که دو یا چند ساختار معنادار به‌صورت معناداری به همدیگر پیوند یابند، انسان شروع به ساخت نظامی از باورها می‌کند. احساس فهمیدن از روشی که ساختارهای مفهومی را در ذهن شکل داده می‌شود، برمی‌آید. اگر مجموعه‌ای از ایده‌ها دارای انسجام بوده و حسی از ارتباط در میان عناصر آن وجود داشته باشد، برای انسان معنادار بوده و ساختار آن را درک خواهد کرد (سالینگروس ۱۳۸۷، ۲۷۱-۲۷۲). بنابراین می‌توان گفت که ادراک معنی به کار ویژه ذهنی وابسته است (شولتز ۱۳۸۸، ۲۳۵).

ادراک معانی، فرایندی ذهنی است که در آن چیزی به‌عنوان یک نشانه در محیط عمل می‌کند و به‌واسطه مفاهیمی که بر خود حمل می‌کند (Rapoport 1990, 38)، اثرات و پیامدهای خاصی را در محیط اجتماعی خود به وجود می‌آورد. ادراک معانی فرایندی است که پیوند میان وجوه عینی عناصر محیط را با وجوه ذهنی به وجود می‌آورد، و فهم آن از خصوصیات آشکار محیط پیرامون اعم از محیط فیزیکی و اجتماعی آغاز می‌گردد. از این منظر، خصوصیات آشکار محیط با وجوه معناداری در ذهن افراد ارتباط دارد.

«راپاپورت» به تفاوت معانی ادراک شده در ذهن افراد اشاره کرده است (Ibid, 220). گروه‌های متفاوت، فرهنگ‌ها یا خرده‌فرهنگ‌ها، طراحان و افراد عادی محیط را متفاوت درک و ارزیابی می‌کنند (Idem 2005, 26)، که این مسئله دال بر تفاوت طرح‌واره‌های ذهنی آنان است. بنابراین ادراک معانی محیط، ریشه در اطلاعات درونی انسان دارد که بخشی از فرهنگ اوست.

نقطه مقابل ادراک انسان، وجود قابلیت‌ها در محیط هستند. قابلیت‌های^۸ محیط امکانات مختلفی هستند که یک

محیط اعم از طبیعی یا ساخته شده در اختیار انسان قرار می‌دهد. قابلیت‌های یک محیط کالبدی، چیزی است که محیط با ویژگی‌های پیکره‌بندی و مواد و مصالح سازنده خود پیشنهاد می‌کند. از نظر «گیسون» (1979) قابلیت‌های محیط کیفیاتی هستند که با معانی خاصی در ذهن انسان ارتباط پیدا می‌کنند، لذا قابلیت‌ها برای انسان معنادار هستند. از آنجا که قابلیت‌ها موضوعی بین‌الذهانی هستند، هم جزئی از ادراک فرد و هم جزئی از محیط می‌باشند. از دیدگاه «چمرو» (Chemero 2003)، قابلیت‌ها، ارتباطی بین توانمندی‌های انسان و خصوصیات محیط هستند و به‌عنوان یک ارتباط، قابلیت‌ها واقعی و قابل درک هستند، ولی بخشی از ویژگی‌های محیط یا موجود نیستند. درک قابلیت‌هایی محیط وابسته به نیازها و توانایی‌های فردی است (لنگ ۱۳۸۱، ۹۱-۱۱۵؛ Bell et al. 2001). مجموعه‌ای از قابلیت‌های محیط در یک موقعیت ویژه، محیط بالقوه‌ای را برای رفتار انسان ایجاد می‌کنند. قابلیت‌های محیط به دو دسته مستقیم و غیرمستقیم قابل تقسیم هستند. مثال قابلیت مستقیم، تأمین فعالیت‌ها توسط محیط است، درحالی که قابلیت غیرمستقیم شامل چیزهایی چون معانی نمادین است که به همبستگی الگوها با یک مرجع و سودمندی یک الگو بستگی دارد. محیط مؤثر شامل عناصری است که برای استفاده‌کننده یا مشاهده‌کننده یک محیط بالقوه با معناست (لنگ ۱۳۸۱، ۱۱۷).

ادراک قابلیت‌های محیط، سطوح مختلفی از معنی را در ذهن افراد تداعی می‌کند که وابسته به طرح‌واره‌ها و نظام فرهنگی افراد است. راپاپورت سه سطح معنایی را در باب خصوصیات محیط از هم تمایز داده است. معانی سطح بالا که مربوط به مفاهیم جهان‌بینی، سیستم‌های ارزشی و... است؛ معانی سطح میانی مانند هویت، منزلت، توانگری، قدرت و... که وجه پنهان نیز نامیده می‌شود و سطح پایین معانی که شامل معانی روزمره و قابل استفاده مانند دسترسی، خلوت، چیدمان و... است، که وجه آشکار نیز گفته می‌شود (Rapoport 1990, 220).

محیط زندگی هر فرد، از لحاظ کالبدی و اجتماعی در مقیاسی کلان‌تر در ترکیب با محیط زندگی دیگر افراد قرار دارد. قابلیت‌های محیط می‌تواند در طیفی از مقیاس‌های خرد به کلان اجتماعی و کالبدی، نقش‌های معنادار متفاوتی داشته باشد. بنابراین نمی‌توان برای قابلیت‌های محیط، معانی ثابتی در نظر داشت؛ زیرا که قابلیت‌های مشخص محیط، در زندگی فردی و جمعی تفاوت معناداری پیدا می‌کند.

ادراک فرد و قابلیت‌های محیط رابطه‌ای دوسویه دارند، که معانی ذهنی در این میان نقش کلیدی ایفا می‌کنند. قابلیت‌های محیط پیرامون برای افراد در زندگی فردی و جمعی، معانی خاصی را در ذهن تداعی می‌کند. توجه به قابلیت‌های محیط فیزیکی و اجتماعی مبتنی بر تداعی ذهنی در زندگی فردی و اجتماعی، زمینه را برای بروز فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی فراهم می‌آورد و راهنمای کنش‌های اجتماعی در تعاملات انسان می‌گردد.

۲. مبانی نظری تحقیق

راپاپورت بر اهمیت معنا در درک محیط ساخته شده تأکید می‌کند (Rapoport 1988; 1990). معنا یکی از مکانیسم‌های اصلی ارتباط‌دهی محیط‌های ساخته شده و افراد به‌واسطه فراهم ساختن منطقی برای چگونگی ساخت و استفاده محیط‌های ساخته شده است. عبارت معنا که در این پژوهش به کار می‌رود، مطابق تعریف مفهوم معنا توسط راپاپورت (۱۹۸۸؛ ۱۹۹۰) و چمرو (۲۰۰۳) به کار گرفته شده است. معانی به‌صورت عقایدی در مورد روابط میان خصوصیات محیط و توانایی‌های افراد و در مورد پیامدهای این روابط تعریف می‌شوند. معنا به‌عنوان تابعی از مسکن و خصوصیات مسکن تلقی می‌گردد. مسکن به‌نحوی ساخته می‌شود که بتواند از پس فعالیت‌هایی که افراد خواستار انجامشان در آن‌ها هستند، بر بیاید و نیز بتواند دیگر کارکردهای پنهان و آشکاری را که افراد انتظار انجامشان را دارند، برآورده کند.

معنی نقش مهمی در کمک به توضیح تفاوت‌های اساسی در ارزیابی^۱، ترجیحات^۲ و انتخاب^۳ بین بهره‌برداران دارد (Rapoport 2005, 48). اهمیت معنی می‌تواند بر مبنای این دید باشد که فکر انسان اساساً سعی در ایجاد معنی در جهان از طریق استفاده از تمایز و دسته‌بندی است (Rapoport 1990, 15-16; 2005, 26). یکی از این فرایندهای متعارف عبارت‌اند از گرایش ذهن انسان به دسته‌بندی محیط به قلمروهای دوگانه‌ای همچون مردان/ زنان یا خصوصی/

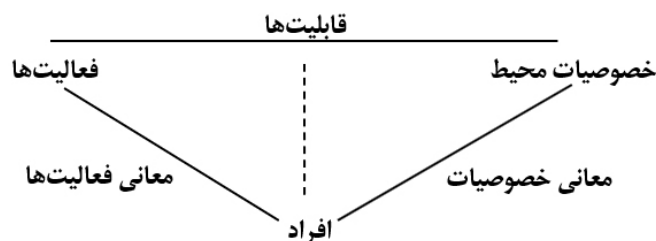
عمومی. محیط‌های مصنوع اغلب بیان کالبدی چنین قلمروهایی هستند که با ایجاد اختلافات محسوس و تضادها در محیط معانی آن قابل درک می‌شوند (Rapoport 1990, 118-120).

«معنی» پیامی پنهان است که منظوری را می‌رساند. پس می‌توان این‌گونه تعبیر کرد که «معنی» در محیط ساخته‌شده، اشاره به «منظوری» دارد که خصوصیات محیط ساخته‌شده، آن را تأمین^{۱۲} می‌کند. افراد معانی ذهنی خود را بر محیط ساخته‌شده حاکم می‌کنند تا محیط ادراکی دیگر افراد را در تعاملات اجتماعی تحت‌تأثیر قرار دهند و بدین منظور، روابط و تعاملات اجتماعی خود را با دیگر افراد در محیط اجتماعی تنظیم نمایند (افشاری ۱۳۹۴). لذا به این دلیل است که افراد محیط پیرامون خود را به شکل‌ها و الگوهای معنادار می‌سازند. انسان از رویکرد ارتباط غیرمستقیم و غیرکلامی از طریق محیط ساخته‌شده استفاده می‌کند تا ضمن امکان کنترل ارتباط و حذف اثرات نامطلوب یا تأکید مناسب، معانی ذهنی خود را تأمین و بستری مناسب برای برقراری فعالیت‌های خویش فراهم آورد.

محیط ساخته‌شده متشکل از عناصر فضایی مختلف و مرتبط است که دارای ابعاد کمی و کیفی متفاوت هستند. اجزای کالبدی ثابت محیط شامل عناصر فضایی با خصوصیات همچون فواصل و جهات فضایی است، که در ترکیب با اجزای نیمه‌ثابت، محیط ساخته‌شده را شکل می‌دهند. با توجه به مطالعات صورت‌گرفته در حوزه معانی خصوصیات محیط می‌توان اظهار داشت که ساختار محیط ساخته‌شده، شامل مؤلفه‌های آشکار است که با مطالعه این مؤلفه‌ها می‌توان به وجوه معنادار آن دست یافت. از این‌رو، مؤلفه‌های آشکار محیط ساخته‌شده را می‌توان شامل «عناصر فضایی، فواصل فضایی و جهات فضایی» دانست، که این مؤلفه‌های آشکار در آرایش سه‌بعدی محیط ساخته‌شده انعکاسی از وجوه معنادار در ذهن افراد بهره‌بردار هستند.

خصوصیات محیط کالبدی دارای وجوه آشکار و همچنین معانی پنهان است، که در کنار آن فعالیت‌ها به‌عنوان یکی از جنبه‌های اصلی و مهم زندگی انسان نیز دارای وجه پنهان و معنادار هستند. خصوصیات محیط و رویداد فعالیت‌ها در زندگی انسان ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. در این زمینه، «پوردیهیمی» (۱۳۹۰) می‌نویسد: «خصوصیات محیط‌های مسکونی، به ویژگی فعالیت‌های درونی آن‌ها وابسته است که ارتباط بین فرهنگ و محیط آن‌ها را تعیین می‌کند.»

فعالیت‌ها در جنبه پنهان یعنی «معنی» فعالیت‌ها متفاوت هستند (Rapoport 1993, 18). هر فعالیت را می‌توان از طریق وجه آشکار یا فعالیت محض، راه خاص انجام آن، فعالیت‌های مرتبط با آن در نظام فعالیت‌ها، و معنی فعالیت تحلیل کرد (Rapoport 1990, 15-16; 2005, 26). معنی یا وجه پنهان فعالیت مهم‌ترین جنبه آن است. در این راستا، کولن (۱۳۹۷، ۱۶۴) چهارچوب تصویر ۱ را مطرح می‌کند که در آن به معانی خصوصیات و فعالیت‌ها اشاره کرده است. متعاقب این چهارچوب مفهومی، مطالعاتی برای تحلیل معانی خصوصیات محیط و به‌ویژه فعالیت‌ها در محیط مسکن صورت گرفته است. در این باره، «میسترز»، ساختار معانی الگوی فعالیت‌ها را در گونه‌های مختلف محیط‌های مسکونی شامل «مرکز شهر، حومه و گونه‌های روستایی» مطالعه کرده است (Meeesters 2009). یکی دیگر از کوشش‌های صورت‌گرفته، مربوط به مدل‌یابی انتظام معانی مسکن و طبقه‌بندی عوامل تأثیرگذار بر معانی در مسکن قوم ترکمن است (نورتقانی ۱۳۹۱).



تصویر ۱: چهارچوب مفهومی معانی خصوصیات و فعالیت‌ها در محیط مسکن (کولن ۱۳۹۷، ۱۶۴)

مطالعات صورت گرفته درباره معانی فعالیت‌ها در محیط‌های مسکونی نشان می‌دهند که فعالیت‌ها علاوه بر وجوه آشکار دارای وجوه پنهان و معناداری نیز هستند. با توجه به چهارچوب فوق، یکی از مؤلفه‌های مهم و عینی محیط زندگی توجه به «فعالیت‌های آشکار» است که در مقیاس‌های فردی و جمعی رخ می‌دهد. فعالیت‌های مشخص و روزمره انسان به‌عنوان پدیده آشکار و قابل رؤیت فرهنگ در یک بستر محیطی صورت می‌گیرد. بنابراین می‌توان از طریق مطالعه خصوصیات مسکن، ویژگی‌های فعالیت‌ها و معانی آن را بررسی کرد. عناصر مسکن، استفاده از فضا و فعالیت‌هایی است که در آن رخ می‌دهند، بیان‌کننده معانی حاکم بر محیط مسکن به‌عنوان یک واحد اجتماعی است، و انسان از خصوصیات محیط برای دستیابی به معانی و اهداف خود در زندگی بهره می‌برد. این مهم از طریق بررسی فعالیت‌ها و وجوه محیطی آن همچون «نوع فعالیت، بازه زمانی و فضایی فعالیت، توالی زمانی فعالیت‌ها و توالی فضایی فعالیت‌ها» قابل مطالعه است.

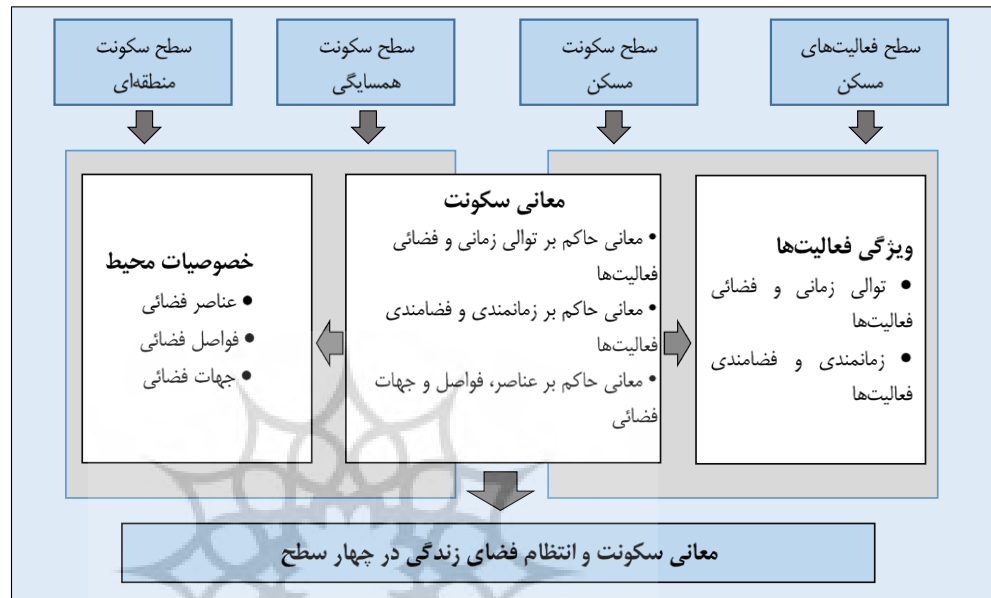
چهارچوب دیگری که طرح پرسشنامه معانی سکونت را متأثر می‌سازد، سطوح یا مقیاس‌های مختلف سکونت است. از دیدگاه پوردیهیمی روش زندگی در محیط‌های ساخته‌شده را می‌توان به روش زندگی در یک فضا، یا در مجموعه‌ای از فضاها در یک عرصه، روش زندگی در بناهای مختلف با کاربری‌های متفاوت، روش زندگی اجتماعی در محیطی کلان طبقه‌بندی کرد (پوردیهیمی ۱۳۹۰، ۱۰). او (۱۳۹۴، ۱۶۵-۱۶۶)، به سطوح روش زندگی در محیط‌های مسکونی اشاره کرده است؛ «زندگی خانوادگی» دارای مرتبه‌ای خصوصی است و «زندگی اجتماعی خانوادگی» در دو سطح روابط اجتماعی با «وابستگان نزدیک و اقوام» و «دوستان و آشنایان غریبه‌تر» تقسیم می‌گردد، که اولی ارتباط معمول گسترده خانوادگی را شامل می‌شود که حریمی نیمه‌عمومی دارد و دومی که معاشرت با افراد غریبه است، دارای حریمی کاملاً عمومی است. افشاری و پوردیهیمی (۱۳۹۵) نیز سطوح سکونت را در پنج بخش دسته‌بندی کرده‌اند: ۱. مقیاس روش زندگی فردی؛ ۲. مقیاس روش زندگی خانوادگی؛ ۳. مقیاس روش زندگی اجتماعی همسایگی؛ ۴. مقیاس روش زندگی اجتماعی خویشاوندی؛ ۵. مقیاس روش زندگی اجتماعی عمومی.

از این رو، می‌توان گفت که محیط زندگی انسان [محیط مسکن] در مراتبی از یک محیط مسکونی است. ترکیب محیط خرد زندگی افراد، مقیاس کلان‌تری از محیط کالبدی و البته محیط اجتماعی را به وجود می‌آورد که «زندگی اجتماعی» در آن صورت می‌گیرد و تأثیرات متقابلی را بین افراد در محیط اجتماعی به وجود می‌آورد. با توجه به جمع‌بندی مطالب فوق درباره خصوصیات و فعالیت‌ها در محیط مسکن، چهارچوب نظری تصویر ۲ را می‌توان در نظر گرفت که مطابق با بررسی تعاریف و محیط زندگی افراد، پرسش از معانی سکونت و انتظام فضای زندگی باید در چهار سطح سکونت صورت پذیرد، که این چهار سطح شامل سطح سکونت منطقه‌ای، سطح سکونت همسایگی، سطح سکونت مسکن و سطح فعالیت‌های سکونت مسکن است.

۳. روش تحقیق

پژوهش در حوزه مسکن مسئله‌ای است که به مطالعه تخصصی در هر دو حوزه سکونت و انسان نیاز دارد، لذا می‌بایست وجه پیمایشی و اکتشافی تحقیق را در نظر داشت. بنابراین روش تحقیق این مقاله به‌صورت کیفی (Charmaz 2006؛ بازرگان ۱۳۸۹) و بر پایه استدلال منطقی (میرجانی ۱۳۸۹) است. استدلال منطقی روش نتیجه‌گیری بر اساس اصول منطقی حاصل از اندیشیدن است. شاید بتوان منطق و استدلال منطقی را فراگیرترین واژگان مطرح در حوزه دانش بشری دانست. این حضور فراگیر ناشی از ماهیت محوری این مفاهیم در شکل دادن به معارف عقلی است. در مجموعه کلان دانش بشری، می‌توان حوزه‌هایی را تشخیص داد که کسب معرفت در آن‌ها متکی به بهره‌گیری از توان منطق و استدلال منطقی در شکل دادن به سامانه‌های منطقی و مفهومی است. با توجه به ماهیت پرسشنامه معانی سکونت و انتظام فضاهای زندگی، و دستیابی به معانی نهفته در ذهن افراد، از «مدل ابزار- غایت» استفاده شد؛ زیرا یک سوی این تحقیق، یافتن خصوصیات و فعالیت‌های شاخص در محیط

مسکن است و سوی دیگر آن دستیابی معانی ذهنی مرتبط با این خصوصیات و فعالیت‌هاست. هدف این تحقیق، انجام یک پژوهش بر اساس این پرسشنامه نیست، بلکه بیان «فرایند دستیابی به این پرسش‌ها» و نحوه کاربرد آن است.



تصویر ۲: چهارچوب نظری فهم معانی سکونت و انتظام فضای زندگی

«ابزار- غایت» مدلی است که تلاش می‌کند گزینه‌های انتخابی افراد را با ارزش‌ها، اهداف و معانی ذهنی آن‌ها نسبت دهد، که در ارتباط با فرایند فهم معانی محیط کاربرد دارد. «کولن» (۱۳۹۷) عقیده دارد که چهارچوبی که ارزش‌های افراد و گزینه‌های انتخابی آنان را در محیط به هم مرتبط می‌سازد، «مدل ابزار- غایت»^{۱۳} است. ارزش‌ها نقش مهمی در هدایت الگوهای انتخاب‌شده افراد دارند. ایده اصلی در مدل ابزار- غایت این است که افراد گزینه‌ای را انتخاب می‌کنند که پیامد مطلوبی داشته و پیامدهای نامطلوب را به حداقل برساند. بنابراین فرض این مدل این است که افراد گزینه‌ی حاوی پیامد مطلوب را انتخاب خواهند کرد. ارزش‌ها با ارزیابی مثبت یا منفی با پیامدهای گزینه‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. به‌منظور دستیابی به پیامد مطلوب، گزینه‌ی خاصی باید انتخاب شود. یک گزینه خصوصیات مختلفی دارد و برای انتخاب صحیح میان گزینه‌های مختلف با پیامدهای متفاوت، افراد باید خصوصیات^{۱۴} گزینه‌های مختلفی که پیامدهای مطلوب را در پی دارند، یاد بگیرند. بنابراین طی یک سلسله به‌هم‌پیوسته، ارزش‌ها با پیامدها پیوند دارند و بین پیامد و خصوصیات گزینه‌ها نیز پیوند وجود دارد. ارتباط بین ارزش‌ها و خصوصیات غیرمستقیم است که این ارتباط از طریق پیامدها حاصل می‌شود. در این مدل، به این نکته توجه می‌شود که چه خصوصیتی چه پیامدهایی دارند و پیامدها کدام ارزش‌ها را از سوی بهره‌برداران هدف قرار می‌دهند. «کولن» از مدل ابزار- غایت برای مطالعه ارتباط خصوصیات محیط مسکن^{۱۵} و معانی ذهنی افراد و توضیح چرایی ترجیح و انتخاب این خصوصیات استفاده کرده است. «مدل سلسله ابزار- غایت»^{۱۶} مدلی است که ابتدا در بازاریابی بر اساس ربط خصوصیات^{۱۷} و تبیین پیامدها^{۱۸} به ارزش‌های^{۱۹} مورد نظر مشتریان اهمیت می‌دهد، و این مدل به‌لحاظ استفاده از یک مصاحبه نردبانی برای تبیین سلسله «خصوصیت، پیامد و ارزش»^{۲۰} به نظریه نردبانی^{۲۱} نیز مشهور است (Gutman 1982)؛ بنابراین مدل مناسبی برای دستیابی به محتوای ذهنی افراد است و ساختار پرسشنامه معانی سکونت، بر اساس آن قرار گرفته است.

۴. یافته‌های تحقیق: پرسشنامه نیمه‌ساختاریافته معانی سکونت و انتظام فضاهای زندگی

ابزار- غایت مدلی است که در این تحقیق، روشی را برای مرتبط ساختن یک خصوصیت به معانی فراهم می‌سازد. مدل اصلی زنجیره ابزار- غایت سه مرحله دارد: خصوصیات محصول ← پیامدها ← معانی. و مثالی ساده از مدل زنجیره ابزار- غایت به این صورت است: پنج اتاق (خصوصیت) ← فضای بیشتر (پیامد) ← حریم (معنی). نظریه زنجیره ابزار- غایت در رابطه با معنا بر پایه لایه‌بندی ویژه کارکردها و معانی است. در نظریه زنجیره ابزار- غایت، معانی یک خصوصیت بر اساس پیامدها مشخص می‌شوند. در زنجیره ابزار- غایت، خصوصیت، پیامدهایش و معانی مرتبط با آن به صورت سلسله‌مراتبی به هم متصل هستند و این می‌تواند به صورت یک ایده کلی برای طرح پرسشنامه معانی سکونت و انتظام فضاهای زندگی مورد توجه قرار گیرد.

قبل از طرح پرسشنامه، باید ایده اولیه‌ای از الگوی فرایند پرسیدن تهیه شود که نکات عمومی درباره تصمیم‌گیری قبل از نوشتن طرح پرسشنامه، مطابق با دستاوردهای اپنهایم رعایت گردید (Oppenheim 2004). پرسش یک سنجش^{۲۲} است، هر پرسش وظیفه‌ای دارد و وظیفه آن سنجش متغیرهای بخصوص است که در پرسشنامه گنجانده شده است. برای ارزیابی اینکه هر پرسش یا گروهی از پرسش‌ها وظیفه خود را به خوبی انجام داده‌اند، پایایی^{۲۳} و روایی^{۲۴} پرسش‌ها ارزیابی می‌شود (سیف ۱۳۸۹، ۱۴-۱۵۶).

روش‌های سنجش و فرایندهای بدون اشتباه، بدون تفکر و توضیح دقیق، مصاحبه‌ها و ایده‌سازی^{۲۵} ارزش نخواهند داشت و لازم است که دقت زیادی در نوشتن اجزای یک پرسشنامه صورت پذیرد (هومن ۱۳۸۹؛ سرمد، بازرگان، و حجازی ۱۳۹۰). بنابراین بعد از انجام مراحل فوق و با تکیه بر مفاهیم چهارچوب نظری پژوهش، تعدادی مصاحبه اکتشافی برای فهم مقولات مورد پرسش صورت پذیرفت. برای طراحی پرسشنامه از منابع مختلفی بهره گرفته شد (Oppenheim 2004; Kumar 2005; حافظ‌نیا ۱۳۸۹؛ سرمد، بازرگان، و حجازی ۱۳۹۰). با توجه به جنبه اکتشافی پرسشنامه، لاجرم از طرح نیمه‌ساختاریافته مطابق با مدل ابزار- غایت بهره گرفته شد.

مطابق با چهارچوب نظری، مقولاتی که در این پرسشنامه در نظر گرفته شد، پرسش از معانی خصوصیات انتظام فضایی محیط مسکن شامل «عناصر فضایی، فواصل فضایی و جهات فضایی» است. و در سوی دیگر پرسش از معانی فعالیت‌ها شامل عناصری همچون «نوع فعالیت، بازه زمانی و فضایی فعالیت، توالی زمانی فعالیت‌ها و توالی فضایی فعالیت‌ها» باشد. رویداد فعالیت‌ها در محیط مسکن با زمانمندی و فضا‌مندی همراه است، که نظام فعالیت‌ها را در نظامی از قرارگاه‌های رفتار در محیط زندگی شکل می‌دهد. در محیط مسکن، در طول زمان، قرارگاه‌های رفتار متفاوتی می‌توانند در یک فضا اتفاق بیفتند. همچنین یک فضا می‌تواند هم‌زمان چندین قرارگاه را شامل شود. بنابراین، برخی از پرسش‌ها در رابطه با قرارگاه‌های رویداد فعالیت‌ها در نظر گرفته شد.

مطابق با چهارچوب نظری، پرسش از معانی سکونت باید در چهار سطح صورت پذیرد، که این چهار سطح شامل سطح سکونت منطقه‌ای، سطح سکونت همسایگی، سطح سکونت مسکن و سطح فعالیت‌های سکونت مسکن در چهار مرحله ذیل سامان‌دهی شده است:

- سطح اول: پرسش‌های سطح سکونت منطقه‌ای؛ پرسش در مورد مناطق همجوار، تعاملات و فعالیت‌های بین منطقه‌ای و پیامدها و معانی آن (جدول ۱).
- سطح دوم: پرسش‌های سطح سکونت همسایگی؛ پرسش در مورد همسایگی‌ها، تعاملات و فعالیت‌های بین همسایگی و پیامدها و معانی آن (جدول ۲).
- سطح سوم: پرسش‌های سطح سکونت مسکن؛ پرسش در مورد فضاها، جایگیری، جهات، فرم، ابعاد، فواصل و پیامدها و معانی آن (جدول ۳).
- سطح چهارم: پرسش‌های سطح فعالیت‌های سکونت مسکن؛ پرسش در مورد فعالیت‌ها، فضا‌مندی و زمانمندی و پیامدها و معانی آن (جدول ۴).

مقولات ذکر شده در ارتباط با سکونت در مقیاس‌های مختلف سکونت، خصوصیات فضایی و ویژگی‌های قرارگاه‌ها و طرح چراهای متوالی برای فهم معانی حاکم بر وجوه مسکن مورد استفاده قرار گرفت. «پرسشنامه معانی سکونت و انتظام فضاهای زندگی» بعد از شکل‌گیری اولیه، دو بار مورد آزمون اولیه قرار گرفت و مطابق با جداول ذیل تکمیل و نهایی شد.

جدول ۱: مرحله اول پرسشنامه معانی سکونت و انتظام فضاهای زندگی: پرسش‌های سطح سکونت منطقه‌ای

مرحله اول: پرسش‌های سطح سکونت منطقه‌ای؛ پرسش درباره مناطق همجوار، تعاملات و فعالیت‌های بین منطقه‌ای و پیامدها و معانی آن	
کد سؤال	سؤالات دور اول:
اصلی	موضوعات مورد مشاهده و پرسش
۱-۱	مسکن، در چه منطقه‌ای قرار گرفته است؟
۱-۱-آ	همجواری‌های منطقه‌ای شامل چه محدوده‌های اجتماعی و سکونتی است؟
۲-۱-آ	همجواری‌های منطقه‌ای شامل چه محدوده‌های طبیعی است؟
۳-۱-آ	منطقه بالادست مسکن توسط چه عوامل و عناصری محدود و تعریف شده است؟
۴-۱-آ	منطقه سکونتی دارای چه تعامل و ارتباطی با مناطق همجوار هستند؟
۵-۱-آ	در سطح منطقه‌ای چه فعالیت‌هایی صورت می‌پذیرد؟
۶-۱-آ	فعالیت‌های سطح منطقه‌ای در چه قرارگاه‌هایی اتفاق می‌افتد؟
۷-۱-آ	فعالیت‌های سطح منطقه‌ای در چه زمانی اتفاق می‌افتد؟
۸-۱-آ	فعالیت‌های سطح منطقه‌ای چقدر طول می‌کشند؟
۹-۱-آ	فعالیت‌ها دارای چه فعالیت قبلی و بعدی است؟ و در چه فاصله زمانی اتفاق می‌افتد؟
۱۰-۱-آ	فعالیت‌های سطح منطقه‌ای چه افرادی را شامل می‌شود؟

جدول ۲: مرحله دوم پرسشنامه معانی سکونت و انتظام فضاهای زندگی: پرسش‌های سطح سکونت همسایگی

مرحله دوم: پرسش‌های سطح سکونت همسایگی؛ پرسش در مورد همسایگی‌ها، تعاملات و فعالیت‌های بین همسایگی و پیامدها و معانی آن	
کد سؤال	سؤالات دور اول:
اصلی	موضوعات مورد مشاهده و پرسش
۲-۱	مسکن، دارای چه همسایگی‌هایی است؟
۱-۲-آ	همسایگی‌ها شامل چه محدوده‌های اجتماعی و سکونتی است؟
۲-۲-آ	همسایگی‌ها شامل چه محدوده‌های طبیعی است؟
۲-۲-ب	مسکن توسط چه عوامل و عناصری محدود و تعریف شده است؟
۴-۲-آ	مسکن دارای چه تعامل و ارتباطی با همسایگی‌هاست؟
۵-۲-آ	در سطح همسایگی چه فعالیت‌هایی صورت می‌پذیرد؟
۶-۲-آ	فعالیت‌های سطح همسایگی در چه قرارگاه‌هایی اتفاق می‌افتد؟
۷-۲-آ	فعالیت‌های سطح همسایگی در چه زمانی اتفاق می‌افتد؟
۸-۲-آ	فعالیت‌های سطح همسایگی چقدر طول می‌کشند؟
۹-۲-آ	فعالیت‌ها دارای چه فعالیت قبلی و بعدی است؟ و در چه فاصله زمانی اتفاق می‌افتد؟
۱۰-۲-آ	فعالیت‌های سطح همسایگی چه افرادی را شامل می‌شود؟

جدول ۳: مرحله سوم پرسشنامه معانی سکونت و انتظام فضاهای زندگی: پرسش‌های سطح سکونت مسکن

مرحله سوم: پرسش‌های سطح سکونت مسکن؛ پرسش در مورد فضاها، جایگیری، جهات، فرم، ابعاد، فواصل و پیامدها و معانی آن		
کد سؤال	سؤالات دور اول:	سؤالات دور دوم: موضوع مورد سؤال دور سوم: موضوع مورد سؤال چه کارکردی (هایی) دارد؟ سؤال چه معنی (معانی) دارد؟
اصلی	موضوعات مورد مشاهده و پرسش	
۳-۱	مسکن، دارای چه فضاهایی است؟	ب-۳
۱-۳-۱	فضاها در چه جاهایی قرار دارند؟ فضاها چه جایگیری نسبت به هم دارند؟	ج-۳-۱
۲-۳-۱	فضاها چه جایگیری نسبت به محیط پیرامون دارند؟	ج-۳-۲
۳-۳-۱	فضاها چه همجواری‌هایی دارند؟	ج-۳-۳
۴-۳-۱	فضاها دارای چه فرم فضایی هستند؟	ج-۳-۴
۵-۳-۱	فضاها چه ابعادی دارند؟	ج-۳-۵
۶-۳-۱	فضاها چه فاصله‌هایی از هم دارند؟	ج-۳-۶
۷-۳-۱	فضاها چه جهات جغرافیایی دارند؟	ج-۳-۷
۸-۳-۱	فضاها چه جهاتی نسبت به هم دارند؟	ج-۳-۸
۹-۳-۱	ورودی هر فضا در کدام جهت قرار دارد؟	ج-۳-۹
۱۰-۳-۱	فضاها چه مبلمانی دارند؟	ج-۳-۱۰
۱۱-۳-۱	چه فعالیت‌هایی در هر فضا اتفاق می‌افتد؟	ج-۳-۱۱

جدول ۴: مرحله چهارم پرسشنامه معانی سکونت و انتظام فضاهای زندگی: پرسش‌های سطح فعالیت‌های سکونت

مرحله چهارم: پرسش‌های سطح فعالیت‌های مسکن؛ پرسش در مورد فعالیت‌ها، فضامندی و زمانمندی و پیامدها و معانی آن		
کد سؤال	سؤالات دور اول:	سؤالات دور دوم: موضوع مورد سؤال دور سوم: موضوع مورد سؤال چه کارکردی (هایی) دارد؟ سؤال چه معنی (معانی) دارد؟
اصلی	موضوعات مورد مشاهده و پرسش	
۴-۱	چه فعالیت‌هایی در این مسکن انجام می‌شود؟	ب-۴
۱-۴-۱	انجام فعالیت‌ها چقدر طول می‌کشد؟	ج-۴-۱
۲-۴-۱	فعالیت قبل و بعدی آن چیست؟ (توالی فعالیت‌ها)	ج-۴-۲
۳-۴-۱	فعالیت قبلی و بعدی در چه فاصله زمانی اتفاق می‌افتد؟ (توالی زمانی)	ج-۴-۳
۴-۴-۱	فعالیت در چه قرارگاه‌هایی اتفاق می‌افتد؟	ج-۴-۴
۵-۴-۱	قرارگاه فعالیت در چه فضایی قرار دارد؟	ج-۴-۵
۶-۴-۱	قرارگاه فعالیت در یک فضا چه محدوده فضایی (قلمرو) را اشغال می‌کند؟	ج-۴-۶
۷-۴-۱	نشانه‌های وجود قلمرو قرارگاه و خوانش و برپایی آن چیست؟	ج-۴-۷
۸-۴-۱	فعالیت قبلی و بعدی در چه فاصله فضایی اتفاق می‌افتد؟ (توالی فضایی)	ج-۴-۸
۹-۴-۱	فعالیت قبلی و بعدی در چه قرارگاه‌هایی اتفاق می‌افتد؟ (توالی قرارگاه‌ها)	ج-۴-۹
۱۰-۴-۱	قرارگاه فعالیت با چه قرارگاه‌های دیگری هم‌فضاست؟	ج-۴-۱۰
۱۱-۴-۱	قرارگاه فعالیت با چه قرارگاه‌های دیگری منفک است؟	ج-۴-۱۱
۱۲-۴-۱	فعالیت‌های قبلی و بعدی چه تفاوت ماهیتی دارند؟	ج-۴-۱۲
۱۳-۴-۱	قرارگاه‌های قبلی و بعدی چه تفاوت ماهیتی (مثل خصوصی و عمومی) بودن دارند؟	ج-۴-۱۳
۱۴-۴-۱	قرارگاه‌های ماهیتاً متفاوت چگونه از هم منفک شده‌اند؟	ج-۴-۱۴

پایایی و روایی پرسش‌های نیمه‌ساختاریافته «معانی سکونت و انتظام فضاهای زندگی» در آزمون‌های آزمایشی کنترل شد. در آزمون‌های آزمایشی، پرسشنامه فوق، در مصاحبه نیمه‌ساختاریافته فهم معانی سکونت استفاده شد و در هر مقوله با طرح چراهای متوالی از سوی مصاحبه‌گر، تا فهم تمامی معانی ذهنی قابل بیان مصاحبه‌شوندگان ادامه یافت. پایان چراهای متوالی موقعی است که مصاحبه‌شوندگان مطالب دیگری برای اضافه کردن به جواب‌ها ندارند. طرح چراهای متوالی، رهنمون اشباع نظری داده‌ها در هر مصاحبه به شمار می‌رود. همچنین، پایایی و روایی

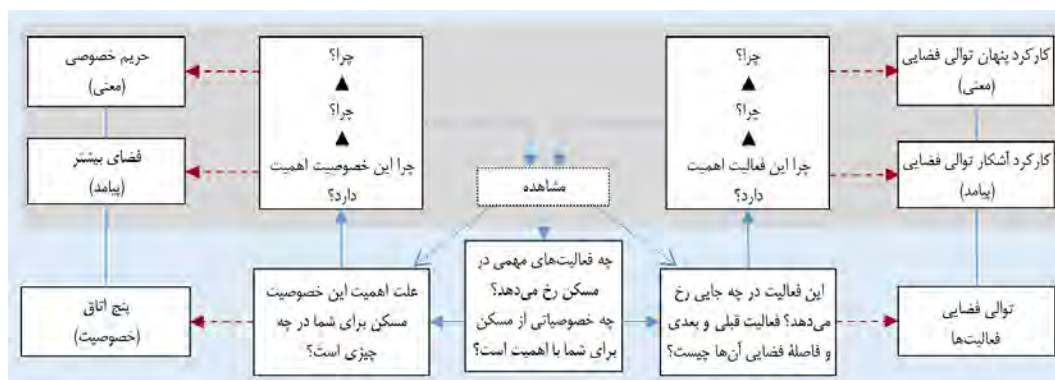
نتایج تحلیلی با توجه به مسئله و چهارچوب نظری پژوهش مورد توجه قرار گرفت و رعایت گردید. برای رعایت «روایی» طی آزمون‌های آزمایشی، فرایند انجام و کدگذاری محتوای مصاحبه‌ها، محتوای ضبط‌شده مصاحبه‌ها توسط پژوهشگر و یک کارشناس روش تحقیق کنترل شد تا با ایجاد «توافق نظری» اطمینان لازم از سنجش درست مؤلفه‌های پژوهش حاصل گردد. برای رعایت «پایایی»، آزمون آزمایشی در دو گروه مسکن مشابه، به صورت موازی و مستقل از هم صورت گرفت، که با توجه به یکسان بودن نتایج و کدگذاری‌ها، از ثبات نتایج اطمینان حاصل شد. این نتایج مطابق با چهارچوب نظری پژوهش، وجوه معنادار حاکم خصوصیات محیط مسکن را بیان می‌کردند؛ بنابراین اطمینان مناسبی از «اعتبار نتیجه‌گیری نهایی» و انطباق آن با اهداف تحقیق حاصل شد. شایان ذکر است که پرسشنامه این مقاله برای مصاحبه نیمه‌ساختاریافته نردبانی کاربرد دارد، که توسط خود محقق پرسیده شده و جواب‌ها ثبت می‌گردد، لذا نگرانی از بابت فهم واژگان از طرف مخاطبان وجود ندارد.

۴.۱. روند گردآوری، مصاحبه و تحلیل داده‌های پرسشنامه معانی سکونت و انتظام فضاهای زندگی

برای شروع به گردآوری داده‌ها و ثبت اطلاعات عمومی مصاحبه‌شوندگان، می‌توان از «پرسشنامه، مشخصات عمومی مسکن و ساکنین» استفاده کرد. این پرسشنامه به ثبت اطلاعات مصاحبه‌گر، زمان و مکان مصاحبه، مصاحبه‌شوندگان، اطلاعات تماس مصاحبه‌شوندگان، ویژگی‌های دموگرافیک خانوار و مشخصات عمومی مسکن مصاحبه‌شوندگان می‌پردازد. این پرسشنامه برای کسب اطلاعات اولیه از نمونه‌های هدف و پیگیری و ارتباط با آنان مورد استفاده قرار گرفت.

قدم بعدی به نمونه‌گیری تحقیق اختصاص دارد. در پژوهش کیفی، نمونه‌گیری با پژوهش کمی تفاوت بسیار دارد؛ زیرا هدف آن به‌جای تعمیم یافته‌ها، درک عمیق از پدیده مورد بررسی است. انتخاب مشارکت‌کنندگان در پژوهش کیفی با هدف دستیابی به بیشترین اطلاعات درباره پدیده مورد بررسی انجام می‌شود؛ لذا در پژوهش کیفی، نمونه‌های پژوهش انتخاب یا دعوت می‌شوند. نمونه‌گیری هدفمند به معنی انتخاب هدف‌دار واحدهای پژوهش برای کسب اطلاعات یا دانش است.

اولین گام در سنجش معانی مرتبط با مسکن به استخراج خصوصیات و فعالیت‌های شاخص مسکن مربوط می‌شود. پس از انتخاب نمونه‌های مناسب پژوهش، خصوصیات کالبدی محیط مسکن از طریق عکس‌برداری و ترسیم نقشه‌های معماری، قابل مستندنگاری است. در این مرحله، خصوصیات انتظام فضایی محیط مسکن شامل «عناصر فضایی، فواصل فضایی و جهات فضایی» مورد توجه است. و در سوی دیگر پرسش از عناصری همچون «نوع فعالیت، بازه زمانی و فضایی فعالیت، توالی زمانی فعالیت‌ها و توالی فضایی فعالیت‌ها» مورد توجه است. مصاحبه نیمه‌ساختاریافته پژوهش مطابق با پرسشنامه، به صورت نردبانی و با طرح چراهای متوالی، پیامدهای خصوصیات و متعاقباً معانی حاکم بر خصوصیات و ویژگی‌های مسکن را مورد پرسش قرار داده است. نقطه آغاز تعیین معانی مرتبط با این سؤال که «علت اهمیت این خصوصیت مسکن برای شما در چه چیزی است» ادامه می‌یابد. هدف این شکل مصاحبه، تعیین رابطه میان از یک طرف، خصوصیت مسکن و از طرف دیگر، معنا یا معانی این خصوصیت مسکن برای پاسخ‌دهنده است. داده‌های خام حاصل از مصاحبه‌های نردبانی، داده‌های کمترساختاریافته نامیده می‌شود که می‌تواند در تحلیل‌های بعدی - توصیف، تفسیر، تشریح و در صورت نیاز، در تحلیل آماری و ریاضی - به کار رود. روند گسترش چنین سیستم دسته‌بندی‌ای، مقوله‌بندی نامیده می‌شود که با استفاده از تحلیل محتوایی بر روی داده‌های خام صورت می‌پذیرد. پس از آن معانی مرتبط با خصوصیات مسکن هر پاسخ‌دهنده را می‌توان مطابق با این مجموعه از مقولات کدگذاری نمود. فرایند انجام مصاحبه این پژوهش در تصویر ۳ قابل مشاهده است. پرسشنامه این تحقیق برای یک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته نردبانی کاربرد دارد، و این مصاحبه از طریق خود محقق، پرسش‌ها را برای دستیابی به محتوای ذهنی محققان استفاده می‌کند؛ زیرا در مراحل دوم و سوم مصاحبه، نیاز به دانش محقق برای هدایت و دریافت کارکردها و معانی ذهنی است.



تصویر ۳: فرایند انجام مصاحبه با استفاده از پرسشنامه نیمه ساختاریافته معانی سکونت و انتظام فضاهای زندگی

مقوله‌بندی و کدگذاری داده‌ها، به تشخیص معانی برای هر فرد و برای هر خصوصیت یا فعالیت مسکن می‌انجامد. این موضوع متغیرهای اجتماعی-آماری (برای مثال درآمد، سن و ترکیب خانوار) را در بر دارد. بنابراین، چهارچوب این تحقیق قابلیت دسته‌بندی پاسخ‌ها را با توجه به متغیرهای اجتماعی-آماری همچون درآمد، سن و ترکیب خانوار دارد. اطلاعات گردآوری شده در قالب محتوای مصاحبه‌ها و برداشتهای محقق از مشاهده و مصاحبه برای تحلیل محتوای آن قابل بررسی است. این داده‌ها ترکیبی از مشاهده و مصاحبه در محیط مسکونی مورد پژوهش خواهد بود. تحلیل محتوا در جست‌وجوی دریافت جنبه‌های ادراکی یا ادراکات ضمنی قابل استخراج از داده‌های خام است (کریندورف ۱۳۹۰). بر اساس این فن، تلاش می‌شود که از متن یک مصاحبه یا مشاهده، اطلاعات لازم برای تحلیل پژوهش اخذ گردد.

تحلیل محتوا به‌عنوان فنی برای بیان سازمان‌یافته ذهنی در جهت آشکار کردن محتوای داده‌ها به شمار آمده است. تحلیل محتوا مرحله‌ای از فرایند پردازش اطلاعاتی است که به‌وسیله آن محتوای داده‌ها خام با استفاده از قوانین طبقه‌بندی شده و نظام‌مند، تغییر و تبدیل می‌یابد و به‌صورت داده‌های خلاصه‌شده و قابل مقایسه درمی‌آید (آذر ۱۳۸۰). محتوای اطلاعات گردآوری شده در بخش‌های مختلف می‌تواند به‌صورت کدگذاری باز مورد توجه قرار گیرد.

چرخه کدگذاری مقولات، نیازمند مهارت‌هایی همچون دسته‌بندی، اولویت‌بندی، یکپارچه‌سازی، ترکیب‌سازی، خلاصه‌سازی، مفهوم‌سازی و ساخت نظریه است (Saldaña 2010). رویه پیشنهادی کدگذاری اطلاعات توسط روش فوق بر پایه کدگذاری به‌صورت «باز، محوری و انتخابی» است (استراس و کوربین ۱۳۸۷)، که در این پژوهش مورد توصیه است. در مرحله اول، همه داده‌ها به‌صورت «کدگذاری باز» مورد توجه قرار می‌گیرند. در مرحله دوم، داده‌ها به‌صورت «انتخابی» درج‌دال تحلیل داده‌های خصوصیات فضایی، تحلیل داده‌های قرارگاه‌های رفتار و تحلیل داده‌های تغییرات انتظام فضایی کدگذاری می‌شوند. در مرحله سوم، داده‌های تحلیلی «کدگذاری محوری» می‌گردند تا نکات تحلیلی برای نتیجه‌گیری پژوهش به دست آید. کدگذاری نظام‌مند داده‌ها در این روند، موجب توجه کامل به همه داده‌ها و لحاظ آن‌ها در فرایند پژوهش می‌گردد. با توجه به هدف هر نوع تحقیق داده‌های نهایی می‌تواند در تحلیل‌های بعدی - توصیف، تفسیر، تشریح و در صورت نیاز، در تحلیل آماری و ریاضی - به کار رود، و حتی هر یک از چهار سطح از پرسشنامه نیز قابلیت کاربرد جداگانه در تحقیقات مختلف را دارد.

نتیجه

در پاسخ به پرسش اول تحقیق، چهارچوب مفهومی معانی خصوصیات و فعالیت‌ها در محیط مسکن، بیانگر دیدگاه این تحقیق به مفاهیم طرح پرسشنامه معانی سکونت و انتظام فضاهای زندگی است. ساختار محیط ساخته‌شده، شامل مؤلفه‌های آشکار است که با مطالعه این مؤلفه‌ها می‌توان به‌وجوه معنادار آن دست یافت؛ این مؤلفه‌های

شامل «عناصر فضایی، فواصل فضایی و جهات فضایی» است. خصوصیات محیط و رویداد فعالیت‌ها در زندگی انسان ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و خصوصیات محیط‌های مسکونی، به ویژگی فعالیت‌های درونی آن‌ها وابسته است. مطالعات صورت‌گرفته درباره معانی فعالیت‌ها در محیط‌های مسکونی نشان می‌دهند که فعالیت‌ها علاوه بر وجوه آشکار دارای وجوه پنهان و معناداری نیز هستند، و معانی آن از طریق بررسی فعالیت‌ها و وجوه محیطی آن همچون «نوع فعالیت، بازه زمانی و فضایی فعالیت، توالی زمانی فعالیت‌ها و توالی فضایی فعالیت‌ها» قابل مطالعه است. چهارچوب نظری دیگری که طرح پرسشنامه معانی سکونت را متأثر ساخته، سطوح یا مقیاس‌های مختلف سکونت است. مطابق با بررسی تعاریف و محیط زندگی افراد، تبیین معانی سکونت و انتظام فضای زندگی باید در چهار سطح سکونت صورت پذیرد، که این چهار سطح شامل سطح سکونت منطقه‌ای، سطح سکونت همسایگی، سطح سکونت مسکن و سطح فعالیت‌های سکونت مسکن است.

در پاسخ به پرسش دوم تحقیق، جداول ۱ تا ۴، ساختار طرح پرسشنامه معانی سکونت و انتظام فضاهای زندگی را نشان می‌دهد که در چهار سطح طرح شده که عبارت‌اند از: سطح اول، پرسش‌های سطح سکونت منطقه‌ای؛ پرسش در مورد مناطق همجوار، تعاملات و فعالیت‌های بین منطقه‌ای و پیامدها و معانی آن؛ سطح دوم، پرسش‌های سطح سکونت همسایگی؛ پرسش در مورد همسایگی‌ها، تعاملات و فعالیت‌های بین همسایگی و پیامدها و معانی آن؛ سطح سوم، پرسش‌های سطح سکونت مسکن؛ پرسش در مورد فضاها، جایگیری، جهات، فرم، ابعاد، فواصل و پیامدها و معانی آن، و سطح چهارم، پرسش‌های سطح فعالیت‌های سکونت مسکن، پرسش در مورد فعالیت‌ها، فضاوندی و زمانمندی و پیامدها و معانی آن.

در پاسخ به پرسش سوم، برای دستیابی به پاسخ‌های پرسشنامه معانی سکونت و انتظام فضاهای زندگی، روند گردآوری، مصاحبه و تحلیل داده‌های پرسشنامه بیان شده است. این روند شامل ثبت اطلاعات عمومی مصاحبه‌شوندگان، نمونه‌گیری، استخراج خصوصیات و فعالیت‌های مسکن، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، تحلیل محتوا و چرخه کدگذاری مقولات است.

پی‌نوشت‌ها

1. Social Action
2. Perception
3. Gestalt Psychology
4. Transactional Approach to Visual Perception
5. Ecological Approach to Visual Perception
6. Schema
7. The Organization of Space, Time, Meaning and Communication
8. Affordances
9. Evaluation
10. Preference
11. Choices
12. Afford
13. Means-End Model
14. Features
15. Dwelling
16. Means- End Chain Model

17. Attributes
18. Consequences
19. Values
20. Attributes-Consequences-Values
21. Laddering Theory
22. Measure
23. Reliability
24. Validity
25. Conceptualization

منابع

- آذر، عادل. ۱۳۸۰. بسط و توسعه روش آنتروپی شانون برای پردازش داده‌ها در تحلیل محتوا. *علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س)* (۳۷ و ۳۸): ۱۸۱.
- استراس، آنسلم، و جولیت کوربین. ۱۳۸۷. *اصول روش تحقیق کیفی، نظریه مبانی رویه‌ها و شیوه‌ها*. ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- افشاری، محسن، و شهرام پوردیهیمی. ۱۳۹۵. مقیاس‌های روش زندگی در مسکن. *مسکن و محیط روستا* (۱۵۴)، ۳-۱۷.
- افشاری، محسن. ۱۳۹۴. سازگاری محیط با روش زندگی انسان، یک چهارچوب نظری، یک مطالعه موردی: مسکن و محیط روستا (۱۵۲)، ۳-۱۶.
- بازرگان، عباس. ۱۳۸۹. *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری*. تهران: دیدار.
- پوردیهیمی، شهرام. ۱۳۹۰. فرهنگ و مسکن. *مسکن و محیط روستا* ۱۳۴: ۱۸-۳.
- _____ . ۱۳۹۴. *منظر انسانی در محیط مسکونی*. تهران: آرمان شهر.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. ۱۳۸۹. *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاه‌ها (سمت).
- رلف، ادوارد. ۱۳۸۹. *مکان و بی‌مکانی*. ترجمه زهیر متکی، محمدرضا نقصان محمدی و کاظم مندگاری. تهران: آرمان شهر.
- روشه، گی. ۱۳۹۱. *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: نی.
- سالینگروس، نیکوس ای. ۱۳۸۷. *یک نظریه معماری*. ترجمه سعید زرین‌مهر و زهیر متکی. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- سرمد، زهره، عباس بازرگان، و الهه حجازی. ۱۳۹۰. *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: آگه.
- سیف، علی‌اکبر. ۱۳۸۹. *روان‌شناسی پرورشی نوین، روان‌شناسی یادگیری و آموزش*. چ ۶ تهران: دوران.
- شولتز، کریستیان نوربری. ۱۳۸۹. *مفهوم سکونت، به سوی معماری تمثیلی*. ترجمه محمود امیریاراحمدی. تهران: آگه.
- _____ . ۱۳۸۸. *روح مکان، به سوی پدیدارشناسی معماری*. ترجمه محمدرضا شیرازی. تهران: رخ داد نو.
- کریپندورف، کلوس. ۱۳۹۰. *تحلیل محتوا، مبانی روش‌شناسی*. ترجمه هوشنگ ناییبی. تهران: نی.
- کولن، هنی. ۱۳۹۷. *معنای خصوصیات مسکن، مباحث مفهومی و روش‌شناختی*. ترجمه محسن افشاری. اصفهان: دانشگاه هنر اصفهان.
- لنگ، جان. ۱۳۸۱. *آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط*. ترجمه علیرضا عینی‌فر. تهران: دانشگاه تهران.
- میرجانی، حمید. ۱۳۸۹. *استدلال منطقی به‌منابۀ روش پژوهش*. صفه (۵۰): ۳۵-۵۰.
- نورتقانی، عبدالمجید. ۱۳۹۱. *معنا در مسکن، مدل‌یابی انتظام معنای مسکن ترکمن*. رساله دکتری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- هومن، حیدرعلی. ۱۳۸۹. *اندازه‌گیری‌های روانی و تربیتی (فن تهیه تست و پرسشنامه)*. تهران: پیک فرهنگ.
- Bell, p., T.C. Greene, J.D. Fisher, A. Baum. 2001. *Environmental psychology*. 5th. New York: Harcourt College Publishers.

- Charmaz, Kathy. 2006. *Constructing Grounded Theory a Practical Guide Through Qualitative Analysis*. London: Sage Publications.
- Chemero, Anthony. 2003. "An Outline of a Theory of Affordances". *Journal of Ecological Psychology* 15 (2): 181-195.
- Gibson, James. 1979. *The Ecological Approach to visual Perception*. Boston: Houghton Mifflin.
- Gifford, Robert. 1987. *Environmental Psychology Principles and Practice*. Massachusetts: Allyn and Bacon, Inc.
- Gutman, Jonathan. 1982. "A Means-End Chain Model Based on Consumer Categorization Processes". *Journal of Marketing* 60-72.
- Hershberger, Robert G. 1970. "Architecture and meaning". *Journal of Aesthetic Education* (University of Illinois press) 4 (4): 37 - 55.
- Hershberger, Robert G. 1974. "Predicting the Meaning of Architecture". In *Designing for Human Behaviour: Architecture and the Behaviour Sciences*, edited by J Lang, Z C Burnette, W Moleski and D Vochon, 147-156. Stroudsburg: Hutchinson and Ros.
- Kumar, Ranjit. 2005. *Research Methodology*. California: Sage Publications.
- Meesters, Janine. 2009. *The meaning of Activities in the dwelling and residential environment, A structural approach in people-environment relation*. Amsterdam: IOS Press.
- Oppenheim, A.N. 2004. *Questionnaire Design, Interviewing and Attitude Measurement*. New York: Pinter Publications.
- Rapoport, Amos. 2005. *Culture, Architecture, and Design*. Chicago, Illinois: Locke Science Publishing Company, Inc.
- ----- . 1993. "System of activities and system of settings". In *Domestic Architecture and the use of space, an interdisciplinary cross-cultural study*, by Susan kent, 9-20. Cambridge: Cambridge University Press.
- ----- . 1990. *The Meaning of the Built Environment, a Nonverbal Communication Approach*. The University of Arizona Press.
- ----- . 1980. "Cross-Cultural Aspects of Environmental Design". In *Human Behavior and Environment*, by Irwin Altman, Amos Rapoport and Joachim F Wohlwill, 7-46. New York: Plenum Press.
- Saldaña, Johnny. 2010. *The coding manual for qualitative researchers*. London: Sage Publications.